



بررسی اهل بیت (ع) در تفسیر کشاف و تطبیق آن با تفاسیر صافی

و شواهد التنزیل

علیرضا طبیبی^۱

زهرا شرفی^۲

(تاریخ دریافت: ۹۶/۱/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۱۳)

چکیده

بسیاری از مفسران شیعه و شماری از مفسران اهل تسنن، از دیرباز با تکیه بر روایات شأن نزول به تطبیق آیات بر اهل بیت (ص) اهتمام ورزیده اند که زمخشری و حسکانی در میان اهل سنت و فیض کاشانی در میان شیعه از آن جمله بوده اند. در این پژوهش تلاش شده است، تطبیق آیات بر اهل بیت (ع) در این تفاسیر واکاوی شود. نتایج پژوهش حاکی از آن است که زمخشری اسباب نزول ها را به تفصیل بیان کرده است؛ اما در حوزه فضایل اهل بیت، تنها به حدود ۱۰ درصد (۲۱ آیه از ۲۰۰ آیه) پرداخته و در مواردی اندک به فضایل ایشان در ذیل آیات اشاره می کند. او نه تنها از ذکر برخی اسباب نزول مشهور و متواتر ذیل آیات مربوط به فضایل اهل بیت خودداری کرده، بلکه هیچ تحلیلی از چنین آیاتی به دست نداده و پیامدهای اجتماعی مربوط به آنها را بیان نکرده است؛ اما حسکانی در تفسیر شواهد التنزیل با بیش از ۱۲۰۰ روایت در ذیل ۲۱۰ آیه به فضایل اهل بیت از طرق عامه و فیض کاشانی در تفسیر صافی نیز از طرق خاصه به شرح و تبیین فضایل پرداخته است.

کلید واژگان: اهل بیت، تفسیر کشاف، تفسیر صافی، شواهد التنزیل، تطبیق

۱. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک (نویسنده مسئول) - khanoom.sharafi@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک - a-tabibi@araku.ac.ir

۱. مقدمه

یکی از موضوعات بسیار مهم از صدر اسلام، اهل بیت پیامبر(ص) و تعیین جایگاه ایشان در هندسه معرفت دینی بوده است؛ لذا وجود آیات فراوانی که به بیان فضایل اهل بیت پیامبر(ص) و تبیین ابعاد اجتماعی ایشان می پردازد، موجبات توجه ویژه مسلمانان را به این موضوع افزوده است؛ به گونه‌ای که نمی‌توان تفسیری را در مذاهب مختلف اسلامی یافت که با وجود تفاوت سلیق و دیدگاه‌ها، آوردگاه بازتاب این عنایت ویژه نباشد. پس با توجه به این اهمیت بی نظیری که این موضوع در هندسه معرفت دینی دارد، در این تحقیق تلاش می‌شود تا فضایل اهل بیت(ع) و حقوق الهی آنها در ابعاد سیاسی و اجتماعی در تفاسیر مورد نظر بررسی شود.

برای دستیابی به این مهم، ضمن بازخوانی تفسیر کشاف و استخراج دیدگاه‌های وی درباره اهل بیت(ع) به تفسیر نقلی شواهد التنزیل و در کنار آن به تفسیر صافی که جامع معقول و منقول است، مراجعه می‌شود و دیدگاه‌ها تحلیل می‌گردد.

الكشاف فی غوامض التأویل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل نوشته ابوالقاسم محمود بن عمر بن محمد خوارزمی زمخشری حنفی معتزلی (۴۶۷-۵۳۸ق) که در قرن ششم هجری تألیف شده، تفسیری ادبی و نیز اعتزالی و عقلی است. (نک: ذهبی، ج ۱، ص ۴۳۳؛ بابایی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۵-۱۴۶؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۶)

در تفسیر کشاف در موارد لزوم از روایات و احادیث نیز کمک می‌گیرد (نک: باقر، ۱۳۸۸، ص ۶۱). زمخشری به دویست و هشتاد و سه مورد سبب نزول اشاره کرده است (حسینی، ۱۳۷۴، ص ۲۴۲)؛ اما در نقل روایات تفسیری و به ویژه در نقل احادیث مرتبط با ولایت به اجمال برگزار کرده است.

شواهد التنزیل لقواعد التفصیل فی الآیات النازلة فی اهل البیت(ع)، نوشته عبید الله بن عبدالله بن احمد حسکانی نیشابوری از علمای قرن پنجم است. سعی او در این کتاب این بوده است تا به وسیله آیات قرآنی، تفصیل و برتری پیامبر اسلام(ص) بر سایر پیامبران و فرشتگان و

برتری امامان معصوم(ع) به ویژه امام علی(ع) بر سایر مردم و فضایل آن امام و سایر فرزندان وی را تبیین کند. (نک: تهرانی، ج ۱۴، ص ۲۴۲)

او این کتاب را با انگیزه پاسخ‌گویی به شبهه عدم نزول سوره انسان در شأن امام علی(ع) نوشت. (نک: حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۹ و ۲۰). او در کتاب المستدرک نیز مجموعه کاملی از روایات را که در فضیلت علی(ع) و اهل بیت او وارد شده، آورده و به صحت آنها تصریح کرده است. (نک: معارف، ۱۳۸۳، ص ۱۲۳) ذهبی(نک: سیوطی، ۱۹۹۳، ج ۱، ص ۸۱) و ابن‌صلاح به صحت احادیث وی اعتراف کرده‌اند (نک: ابن‌صلاح، ۱۹۸۴، ص ۲۴) او در این کتاب دویست و ده آیه را به صورت ترتیبی با ذکر بیش از ۱۲۰۰ روایت تفسیر کرده است. نگرش مثبت او به اهل بیت(ع) در آثارش سبب شده است تا در مذهب او اختلاف پیش آید؛ ولی او از محدثان اهل سنت است، اگر چه او را به تمایل وی به شیعه مشهور شده است. (ذهبی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۰۴۲ و نک: صدر، بی تا، ص ۲۹۴)

تفسیر الصافی نوشته محمد بن شاه مرتضی ملقب به فیض کاشانی تفسیر اجتهادی روایی شیعی در قرن یازدهم است. (بابایی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۴۵) بر اساس تصریح مفسر، هدف وی از نگارش تفسیر، بیان روایات تفسیری اهل بیت است. (فیض کاشانی، بی تا، ص ۸) وی علاوه بر جمع روایات به شرح و توضیح آنها نیز پرداخته و گاهی به رفع ابهام و جمع بین روایات به ظاهر ناهماهنگ نیز پرداخته است. (بابایی، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۴۵)

۲. بررسی آیات فضایل اهل بیت(ع) در سه تفسیر

اینک ۲۱ مورد از آیاتی که در شأن اهل بیت(ع) دانسته شده، در تفاسیر کشاف، شواهد التنزل و صافی مقایسه و تحلیل می‌شود:

۲.۱. آیه ۱۴ بقره

۱- «وَ إِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ

مُتَّهِنُونَ» (بقره، ۱۴)

حاکم حسکانی درباره این آیه می‌گوید: «هنگامی که امیرالمؤمنین (ع) از بیرون مدینه تشریف می‌آورد، سلمان فارسی و عمار و حبيب و مقداد و ابوذر همراه ایشان بود. در این هنگام عبدالله بن ابی سلول که بزرگ منافقین مدینه بود، ایشان را دید و گفت: آفرین به سید بنی‌هاشم و وصی رسول خدا(ص) و برادر و داماد و پدر و سبطش، آن که بذل نمود، برای رسول خدا مال و جاننش را. امیرالمؤمنین فرمود: وای بر تو ای پسر ابی! تو منافق هستی! به نفاق تو گواهی می‌دهم... پس رو به رسول خدا(ص) آورد و به آنچه واقع شده بود، او را خبر داد؛ پس خداوند این آیه را فرستاد.» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۹۴)

زمخشری در این باره گفته است: «چنین روایت کرده اند، روزی عبدالله بن ابی و یارانش به جایی می‌رفتند که شماری از اصحاب رسول خدا با آنان رو به رو شدند و عبدالله گفت: حالا ببینید، این بی‌خردان را چگونه از شما برمی‌گردانم. دست ابوبکر را گرفت و گفت: مرحبا به ابوبکر صدیق، سرور بنی تیم و شیخ الاسلام و ثانی اثین رسول خدا(ص) در غار و کسی که جان و مالش را در راه او فدا کرده است؛ سپس دست عمر را گرفت و گفت: مرحبا به سرور بنی عدی، فاروق، کسی که در پیروی از آیین الهی قوی و استوار است و مال و جاننش را در راه رسول خدا فدا کرده است. آن گاه دست علی را گرفت و گفت: مرحبا به پسر عمو و داماد رسول خدا و سرور بنی‌هاشم غیر از رسول خدا. آن گاه از همدیگر جدا شدند و و به همراهان خود گفت: با آنان چگونه رفتار کردم؟ آنان او را ستودند و گفتند: به نیکی عمل کردی و این آیه نازل شد.» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۶۶؛ نک: واحدی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۵)

با وجود این که حادثه برای خلیفه اول و دوم و علی (ع) به صورت یکسان تکرار شده است، ولی تعبیر «البازل له ماله و نفسه» در مورد اولی و دومی تکرار شده است؛ ولی زمخشری و هم چنین واحدی از ذکر این عبارت برای علی (ع) خودداری کرده‌اند که باعث تردیدهایی در احتمال برخی تغییرات عمدی در آن می‌گردد و احتمال همانندسازی را که ریشه‌ای دیرینه در تاریخ کهن حدیث دارد، قوی می‌نماید. (نک: حسن بیگی، علی، ۱۳۹۵،

مشکل اساسی وجود پاره‌ای از القاب و عناوین موجود در متن است که به صحت آن لطمه می‌زند. پاره‌ای از نویسندگان تاریخ و طبقات گفته‌اند: اولین گروهی که به خلیفه دوم فاروق گفتند، اهل کتاب بودند و مسلمان‌ها، این واژه را از ایشان گرفتند و از پیامبر(ص) نقل نشده است که چنین چیزی را فرموده باشند. (نک: طبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۰۵؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۶۷، البدایة والنهایة، ج ۷، ص ۱۳۳) و گویا این واژه‌ای بوده است که در ایام خلافت ایشان، به وی اطلاق شده است. (نک: عاملی، الصحیح، ج ۲، ص ۱۱۲؛ عامری، ۱۳۸۶، ص ۳۶۸)

۲.۲. آیه ۲۷۴ بقره

۲- «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (بقره، ۲۷۴)

در تفسیر صافی از ابن عباس و ابی مجاهد روایت شده که علی(ع) در یک زمانی فقط چهار درهم داشت، یکی را شب و یکی را روز و یکی را مخفیانه و آخری را علنی در راه خدا انفاق کرد؛ پس این آیه درباره آن حضرت نازل شد. در مجمع البیان و جوامع الجامع علاوه بر نقل این روایت از ابن عباس آمده است: این روایت از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) هم روایت شده و عیاشی در تفسیر خود آن از ابی اسحاق نقل کرده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۰۱)

حاکم حسکانی نیز در شواهدالتنزیل ذیل این آیه نه روایت آورده و به همین اشاره کرده است. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۴۰) زمخشری پس از توضیحاتی درباره آیه با تعبیر «قیل» می‌گوید: این آیه در شأن ابوبکر صدیق نازل شده است که چهار هزار دینار از اموال خود را صدقه داد: بخشی از آن را در شب و بخشی دیگر را در روز و بخشی را آشکارا و بخشی دیگر را پنهانی بخشید. سپس می‌افزاید: از ابن عباس روایت شده که این آیه در شأن علی مرتضی نازل شده است و سپس احتمال دیگری را هم مطرح می‌کند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۱۹)

اما زمخشری در ذیل آیه دوازدهم سوره مجادله، گزارشی را نقل می‌کند که با اولین سبب ذکر شده در ذیل آیه ۲۷۴ سوره بقره همخوانی ندارد. وی می‌گوید: علی(ع) می‌گوید: وقتی این آیه نازل شد، پیامبر مرا خواند و فرمود: نظرت در مورد یک دینار چیست؟ گفتم: طاقت آن را ندارد و ادامه می‌دهد که بالاخره آنها از پرداخت صدقه و دیدن پیامبر(ص) سر باز زدند: «وَأَمَّا الْفَقِيرُ فَلَعَسَرْتَهُ وَأَمَّا الْغَنِيُّ فَلَشُحُّهُ». (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۹۳)

۲.۳. آیه ۶۱ آل عمران

۳- «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ» (آل عمران، ۶۱)

نزول آیه مباحله درباره علی و زهرا و حسن و حسین - علیهم السلام - از مسلمات است. صاحب تفسیر صافی می‌گوید: این روایت را اهل سنت نیز نقل کرده اند و این حدیث بر نبوت پیامبر، فضیلت اهل بیت و شرافتی که آنها دارند و هرگز کسی نداشته است، دلالت دارد؛ زیرا جان علی(ع) را همچون جان پیامبر قرار داده است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱ ص ۳۴۳)

در ذیل این آیه، زمخشری جریان مباحله حضرت رسول (ص) را با وفد مسیحی نجران به تفصیل مطرح کرده و نوشته است: «درخواست رسول الله برای مباحله، به منظور آشکار کردن کذب دشمن آن حضرت بود و ایشان برای تأکید بر اطمینان به دعوی خود، عزیزان و جگرگوشه‌ها و محبوب‌ترین افراد خانواده‌اش را همراه خود به مباحله فراخواند و تنها آنان را فراخواند؛ زیرا عزیزترین ایشان بودند.

او سپس می‌گوید: پیامبر درحالی که حسین(ع) را در آغوش داشت و دست در دست حسن(ع) بود و علی و فاطمه(س) در پی ایشان فرمود: «اذا انا دعوت فامنوا» در این حالت، خوف در دل رئیس نصرانیان ریشه دواند و به همراهانش گفت: «ای گروه نصرانی، من صورت‌هایی می‌بینم که اگر از خدا بخواهند، کوهی را از جا برکنند، چنین می‌کند. پس با او مباحله نکنید که هلاک می‌شوید و دیگر هیچ نصرانی تا روز قیامت در زمین باقی نخواهد

ماند». وی در ادامه تفسیر آیه، حدیث کسا را از طریق عایشه، چنین نقل می‌کند: «ان رسول الله (ص) خرج و علیه مرطٌ مرجل من شعر اسود فجا الحسن فادخله ثم جا الحسين فادخله ثم فاطمة ثم علي ثم قال: «انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت.» (احزاب، ۳۳) زمخشری در ادامه می‌نویسد: این که حضرت، ذکر «ابناء» و «نساء» را بر ذکر «انفس» مقدم داشته، به منظور تنبه دادن بر قرب منزلت و لطف مکان ایشان است و اشاره بر این دارد که اینان بر خود رسول مقدم هستند و هیچ دلیلی قوی‌تر از این بر فضیلت اصحاب کساء وجود ندارد. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۶۸) ولی ناباورانه او این روایت را فقط برهانی بر صحت نبوت اعلام می‌نماید.

۲.۴. آیه ۵۹ نساء

۴ - «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء- ۵۹) حاکم حسکانی روایات متعددی را نقل می‌کند که آیه درباره علی(ع) نازل شده است: هنگامی که پیامبر او را در مدینه به جانشینی خود گذاشت و فرمود: نسبت تو به من، همانند نسبت هارون به موسی است، مگر این که بعد من پیامبری نیست. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۱۸۹)

کاشانی نیز این آیه را در شأن اهل بیت(ع) می‌داند و می‌گوید: در کافی و تفسیر عیاشی از امام باقر(ع) نقل شده است که فرمود: مقصود آیه فقط ما هستیم و همه مؤمنین را تا روز قیامت به پیروی از ما فرمان داده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱ ص ۴۶۲)؛ اما زمخشری در تفسیر این آیه ابتدا می‌گوید: مراد از "اولی الامر" کارگزاران بر حق هستند؛ مانند خلفای راشدین؛ سپس به نقل از دیگران آن را به امیران و عالمان دینی تفسیر می‌کند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۲۴).

به نظر می‌رسد، زمخشری علیرغم این که در بخشی از آیات به ذکر شأن نزولها می‌پردازد، ولی در پاره‌ای آیات دیگر که دارای ابعاد سیاسی و اجتماعی است، از ذکر شأن

نزول خودداری می‌کند. این در حالی است که صد حدیث از طریق عامه در این معنا نقل شده است. (نک: غایه المرام، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۲۳)

۲.۵. آیه ۵۵ مائده

۵ - «إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده، ۵۵)

حاکم حسکانی شش نقل مختلف می‌آورد که آیه در شأن علی (ع) نازل شده است (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، صص ۲۱۳-۲۰۹). فیض کاشانی هم ضمن نقل داستانی که منجر به نزول آیه شد، آن را در شأن علی (ع) می‌شمارد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۴۴) برخی نیز نزول آیه را در شأن علی (ع) امری «اتفاقی» میان مفسران می‌دانند. (ابن عطیه، ۱۴۴۲، ج ۲، ص ۲۰۸)

زمخشری نزول آیه را در شأن علی (ع) پذیرفته و به داستان مسجد و سائل و هدیه انگشتری اشاره می‌کند و می‌گوید: اگر پرسند، چگونه ممکن است، این آیه تنها درباره آن بزرگوار باشد، در پاسخ باید گفت: تا مردم در کار او نظر کنند و به پاداشی مانند پاداش او دست یابند و همچنین معلوم بدارد که سجایای مؤمنان می‌باید تا این پایه از حرص برای انجام نیکی و احسان و دلسوزی برای بینوایان برخوردار باشد و اگر مشغول کاری باشند، نباید دیر کنند. حتی اگر در حال نماز باشند، نباید آن را تا فراغت از نماز به تأخیر بیندازند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۶۴۸ و ۶۴۹)؛ اما او در تفسیر آیه همان راهی را رفته است که اکثر مفسران رفته‌اند.

۲.۶. آیه ۴۳ اعراف

۶ - «وَوَدَّعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ...» (اعراف، ۴۳)

حاکم حسکانی ذیل آیه دو روایت نقل کرده که حضرت علی(ع) فرمود: به خدا سوگند آیه درباره ما نازل شده است(حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۶۶). در تفسیر صافی نیز از امام صادق(ع) نقل شده است که این آیه در باره ولایت امیرالمؤمنین(ع) و ائمه(ع) از فرزندان ایشان است.(فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۹۷)

زمخشری در تفسیر آیه از علی بن ابی طالب روایت کرده است که: « امیدوارم من و عثمان و طلحه و زبیر از آنان باشیم»؛ یعنی به ما توفیق بدهد که به موجبات این کامیابی بزرگ یعنی ایمان به خدا و انجام دادن کارهای شایسته دست پیدا کنیم. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۰۵)

در منابع تفسیری اهل سنت در ذیل آیه دو نقل گزارش شده است: یکی همانند آنچه زمخشری نقل کرده است و نقل دیگری که امام علی(ع) فرمودند: «نزلت فینا والله اهل البدر» (نک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۸، ص ۱۳۳؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹، ج ۵، ص ۱۴۷؛ ابن عطیه، ۱۴۴۲، ج ۲، ص ۴۰۱)

۲.۷. آیه ۴۷ حجر

۷- «وَنَزَّعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ إِخْوَانًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَابِلِينَ» (حجر، ۴۷)

حاکم حسکانی از ابن عباس نقل کرده است که گفت: درباره علی بن ابی طالب(ع) و حمزه و جعفر و عقیل و ابی ذر و سلمان و عمار و مقداد و حسن(ع) و حسین(ع) نازل شده است.(حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۱۳). در صافی نیز آمده که آیه درباره اهل بیت(ع) است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۱۱۵)

اما زمخشری این جا نیز روایتی نظیر روایت مربوط به آیه قبل(اعراف، ۴۳) آورده و گفته است: از علی بن ابی طالب روایت کرده اند که گفت: امیدوارم من و عثمان و طلحه و زبیر از آن جمله باشیم. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۸۰)

سایر نقل‌های مفسرین اهل سنت نیز همین گونه است: جز آن که طبری و سمرقندی نقل می‌کنند که علی(ع) فرمود: اگر این‌ها ما نباشیم، پس آنها چه کسانی‌اند؟ (نک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۲۵؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۵۷)

۲.۸. آیه ۸۱ اسراء

۸- «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء، ۸۱)

حسکانی می‌نویسد: جابر بن عبدالله گفت: با پیامبر(ص) داخل مکه شدیم و در کعبه و اطرافش ۳۶۰ بت بود که آنها را می‌پرستیدند؛ پس رسول خدا(ص) به علی(ع) نگریست و فرمود: ای علی تو بر دوش من سوار می شوی یا من بر دوش تو سوار شوم تا هبل را از پشت کعبه به زیر افکنم؟ گفتم یا رسول الله(ص) شما سوار شوید؛ چون بر پشت من نشست، تاب حمل او را از سنگینی رسالت نداشتم؛ پس گفتم: یا رسول الله من بر پشت شما سوار می شوم؛ پس خندید و پایین آمد. خم گردید تا من بر پشت ایشان سوار شدم. سوگند به خداوندی که دانه را شکافت و آفریده‌ها را بیرون آورد، اگر می‌خواستم، آسمان‌ها را مس نمایم، هر آینه به دستم مس می‌نمودم؛ پس هبل را از پشت کعبه به زیر افکندم؛ پس خدا نازل فرمود: «وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۵۳) زمخشری ضمن نقلی مفصل می‌نویسد: پیامبر(ص) علی را صدا زد تا بت خزاعه را بیندازد و به او کمک کرد تا بالا رفت. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۹۸)

بحرانی نیز در غایة المرام دو روایت را که یکی مانند نقل حسکانی است، از طریق عامه نقل می‌کند (بحرانی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۱)؛ اما با وجود تصریح روایات به این که علی(ع) بر دوش پیامبر(ص) رفت که در جای خود فضیلتی بسیار بزرگ است و یا این که اگر می‌خواستم آسمان‌ها را مس نمایم، می‌توانستم که حکایت از امر معنوی بزرگی دارد، زمخشری فقط به تعبیر «فَحَمَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ حَتَّى صَعِدَ» اکتفا می‌کند.

۲.۹. آیة ۹۶ مریم

۹- «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ اللَّهُ ذُرِّيَّةً» (مریم، ۹۶)

حاکم حسکانی ذیل این آیه روایات متعددی آورده است. از جمله این که رسول خدا (ص) به علی (ع) فرمود: یا علی بگو: خداوند نزد خودت برای من عهدی قرار بده و برای من در سینه‌های مؤمنین دوستی را قرار بده؛ پس خداوند این آیه را فرستاد. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۳۰۷)

در تفسیر صافی نیز این روایت از امام صادق (ع) نقل شده است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۲۹۷؛ نک: طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۵، ص ۵۳۲). زمخشری نیز همین روایت را در تفسیر خود بیان نموده است. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۷). مراغی این آیه را از کرامت‌هایی می‌داند که خداوند به انسان‌های خاص می‌دهد. (مراغی، بی تا، ج ۱۶، ص ۸۸)

زمخشری از پیامبر (ص) نقل می‌کند که فرمود: جبرئیل در میان اهل آسمان ندا می‌دهد: خداوند فلانی را دوست دارد، شما هم دوستش بدارید. با توجه به قرینه روایت دیگر دانسته می‌شود آورد که مراد علی (ع) باشد، اگر چه زمخشری بدان تصریح نکرده است. (نک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۷)

چنان می‌نماید که علمای اهل سنت پرهیز داشتند، آنگاه که فضائل امام علی (ع) را نقل می‌کنند، به نام او تصریح کنند؛ چنان که پرهیز داشتند، آنگاه که در مذمت خلفاء نقلی می‌آوردند، به نام آنان تصریح نمایند؛ چنان که واقعی در گزارش جریان جنگ احد می‌گوید: از پیامبر (ص) نقل شده است که فرمود: «المقام نسبية بنت كعب خير من مقام فلانٍ و فلانٍ». (واقعی، ۱۹۸۹، ج ۱، ص ۲۶۹). ابن ابی الحدید نقل می‌کند، در محضر محمد بن معد علوی واقعی سخن به اینجا رسید که پیامبر (ص) به هنگام فرار مردم به سمت کوه می‌فرمود: «اللی یا فلان الی یا فلان، انا رسول الله»؛ ولی هیچ یک از آن دو توجهی نکردند. من به ابن معد گفتم: این چه نوع گفتاری است؟ او گفت: این کنایه از آن دو نفر است. گفتم: شاید مراد دیگران باشند. ابن معد گفت: در میان صحابه کسی جز این دو نیست که

مردم از بیان عیوبش ترس و واهمه داشته باشند. (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۲۳ و ۲۴ و نیز نک: ج ۱۴، ص ۲۶۶)

۲. ۱۰. ۱۰۱ آیه انبیاء

۱۰- «إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ» (انبیاء، ۱۰۱)

حاکم حسکانی آورده است، علی (ع) فرمود: «رسول خدا(ص) به من فرمود: یا علی این آیه درباره شما نازل شده است؛ یعنی کسانی که برای آنان مراتب حسنی مقرر گردیده است، از آتش جهنم دورند» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۰۰ و نیز نک: الصافی، ج ۳، ص ۳۵۶)

زمخشری در این زمینه می‌نویسد: «چنین روایت کرده‌اند، علی بن ابی طالب که خدای از او خشنود باد، این آیه را خواند و گفت: من و ابوبکر و عثمان و طلحه زبیر و سعد و سعید و عبدالرحمان بن عوف از آنان هستیم» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۳۷)

شایان ذکر است که در تفسیر صافی و شواهد التنزیل نامی از افراد دیگر برده نشده است و اگر چه در احادیث اهل بیت نام افرادی نقل شده است که می‌توانند مصادیق آیه باشند. (نک: طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۱۴، ص ۳۶۶)

۲. ۱۱. ۱۱ آیه ۶۱ قصص

۱۱- «أَفَمَن وَعَدْنَاهُ وَعَدًّا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

مِنَ الْمُحْضَرِّينَ» (قصص، ۶۱)

در شواهد التنزیل از مجاهد روایت شده است که گفت: «این آیه درباره علی و حمزه (نسبت به وعده نیک) و ابو جهل (نسبت به متاع دنیا) نازل شد. شعبه گفت: پس از سُدّی پرسیدم، گفت همان است که گفته شد. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۶۳)

زمخشری در این باره نوشته است: برخی از راویان روایت کرده‌اند که درباره رسول خدا(ص) و ابو جهل نازل شده و برخی هم گفته‌اند که درباره علی و حمزه و ابو جهل نازل

شده و بنا بر روایتی دیگر دربارهٔ عمارین یاسر و ولید بن مغیره نازل شده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۴۲۵) و هرسه روایت با تعبیر «قیل» آمده است؛ اما گویا در دو روایت منقول از عامه آمده است که آیه در شأن علی(ع) و حمزه نازل شده است. (بحرانی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۱۵) طبری هم آن را تأیید کرده است. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۰، ص ۶۲)

۲. ۱۲. آیات ۱۸-۲۰ سجده

۱۲- «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ * أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ * وَ أَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ (سجده، ۱۸-۲۰)

حاکم حسکانی آورده است: ابن عباس گفت: علی و ولید پسر عقبه با هم معارضه کردند؛ پس ولید به علی(ع) گفت: نیزه من از تو تیزتر و از تو زبان دارترم و مقام من در لشکر وسیع تر و رفیع تر است؛ پس علی(ع) به او فرمود: ساکت باش ای فاسق. پس خداوند این آیه را فرستاد. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۷۲) در تفسیر صافی نیز نظیر این روایت از امام باقر(ع) نقل شده است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۵۸)

زمخشری در شأن نزول، ضمن اشاره به درگیری لفظی مذکور در روز بدر می گوید: «ولید گفت: خاموش شو، تو هنوز کودک هستی و من از تو جوان تر و زیرک تر و زبان دارتر و پردل تر و برخوردار از سپاهیان افزون تر هستم. آن بزرگوار در پاسخ گفت: "خاموش تو فاسق کار هستی". این آیه شامل آن دو و نیز همهٔ مؤمنان و فاسقان و هر کس که از مانند آنان باشد، می شود. از امام حسن بن علی که خدای از او خوشود باد، روایت کرده اند که او به ولید گفت: "چگونه به علی دشنام می دهی، در حالی که خدای متعال در ده آیه او را مؤمن و تو را فاسق دانسته است؟". (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۱۳ و نک: طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۱، ص ۶۸).

۲.۱۳. آیه ۵۶ احزاب

۱۳- «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب-۵۶)

در متون شیعی و نیز سنی آمده است که ابوسعید خدری و ابن عباس و ام سلمه و چند نفر دیگر از اصحاب رسول خدا(ص) روایت شده است، آن حضرت درباره کیفیت صلوات فرمود، بگوید: «اللهم صل على محمد و على آل محمد» (نک: ابن بابویه، ۱۳۶۱، ص ۳۶۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۰۱ و ۲۰۲؛ بخاری، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۱۰۳؛ ابن حجاج، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۳۰۵؛ ابن حنبل، ۱۴۱۶، ج ۲۸، ص ۳۰۴)

این روایت در کتاب‌های اهل سنت مانند صحیح بخاری و صحیح مسلم و صحیح نسائی و مسند طیالسی و تاریخ بغداد و مستدرک حاکم نقل شده است. (نک: شوشتری، ۱۰۱۹، ج ۳، ص ۲۵۲)؛ اما زمخشری به این روایت اشاره‌ای نکرده و در تفسیر آیه می‌گوید: عالمان می‌گویند، اگر پیرو صلوات بر رسول خدا(ص) بر دیگران هم صلوات بفرستند و بگویند "صل الله على النبي و آله" اشکالی ندارد؛ اما اگر بر یکی از اهل بیت(ع) به تنهایی و بدون همراه آوردن رسول خدا(ص) صلوات بفرستند، مکروه است؛ زیرا صلوات به عنوان شعار و آرمانی برای یاد کرد از رسول خدا(ص) آمده است. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۵۷)

به هر حال اگرچه اهل سنت علیرغم تصریح متونشان، بر نوع درود فرستادن شیعیان بر پیامبر(ص) ایراد گرفته‌اند، آنها هم با عباراتی هم چون «رضی الله عنه» بزرگان خود را در این نوع از درود ویژه شریک کرده‌اند. (نک: سلطان الواعظین، ۱۴۱۹، ص ۱۲۰).

۲.۱۴. آیه ۵۸ احزاب

۱۴- «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كَتَبْنَا فَتَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا» (احزاب، ۵۸)

حاکم حسکانی در تفسیر این آیه آورده است که درباره علی بن ابی طالب(ع) نازل شد؛ زیرا چند نفر از منافقین او را می آزرده و دروغگویش می خواندند. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۴۱)

فیض کاشانی نیز در تفسیر صافی به نقل از قمی مؤمنین را به علی(ع) و مؤمنات را به حضرت فاطمه(س) تطبیق داده است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۰۳)

زمخشری در این باره می نویسد: برخی از مفسران گفته اند، این آیه درباره گروهی از منافقان نازل شده است که امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب را مورد آزار قرار دادند و برخی هم آن را مرتبط به قضیه افک ام المؤمنین عایشه دانسته اند. هم چنین گفته اند: درباره زناکارانی است که بدون رضایت زنان آنان را دنبال می کردند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۵۷۷)

۲. ۱۵. آیه ۲۰ یس

۱۵- « وَ جَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ » (یس، ۲۰)

فیض کاشانی در ذیل این آیه به نقل از تفسیر جوامع الجامع(ج ۳، ص ۳۸۴) و الخصال(ج ۱، ص ۱۷۴) روایتی را می آورد که پیامبر فرمود: «پیشگامان سه نفرند که به اندازه یک چشم برهم زدن هم، به خدا کفر نورزیدند که علی برترین آنهاست» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۵۱). بحرانی نیز در غایة المرام در ذیل حدیث «الصدیقون الثلاثة»، ۱۶ حدیث را از طریق عامه نقل می کند. (نک: بحرانی، ۱۴۲۲، ج ۶، ص ۲۷۲)

جالب آن که زمخشری هم همین روایت را با تعبیر «سباق الامم» در ذیل آیه آورده و گفته است: از رسول خدا(ص) روایت کرده اند، از میان امت ها سه کس پیش روتر از همگان هستند که حتی یک لحظه هم به خدا کفر نورزیده اند: علی بن ابی طالب و صاحب یاسین و مؤمن آل فرعون(زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۰)

۲. ۱۶. آیه ۲۳ شوری

۱۶- «... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى...» (شوری، ۲۳)

حاکم حسکانی از ابن عباس روایت کرده است: اصحاب از رسول خدا (ص) پرسیدند: ای رسول خدا چه کسانی هستند که خداوند ما را به مودت آنها امر کرد؟ فرمود: علی و فاطمه و فرزندان آنها. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۱۸۹)

در تفسیر صافی از امام صادق (ع) نقل شده است: «درباره ما اهل بیت به خصوص علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام اصحاب کساء نازل شده است» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۷۳).

زمخشری ضمن پذیرش نزول این آیه در شأن اهل بیت (ع) می‌گوید: چنین روایت کرده‌اند که وقتی این آیه نازل شد، مؤمنان به حضور رسول خدا (ص) عرض کردند: اهل خویشاوندی تو چه کسانی هستند که مودت آنها بر ما واجب شده است؟ فرمود: علی و فاطمه و دو فرزندش (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۹)

زمخشری در تأیید این شأن نزول می‌گوید: دلیل بر صحت این گزارش، این روایت علوی است که علی (ع) می‌فرماید: از حسادت و کینه توزی عده‌ای به خودم، به پیامبر (ص) گله کردم. پیامبر (ص) فرمود: آیا دوست نداری که چهارمین این سه باشی: اولین کسی که داخل بهشت می‌شود، من و تو و حسن و حسین هستیم و همسرانمان از راست و چپمان و فرزندانمان، به دنبال همسرانمان. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۲۰)

به هر حال این که "چه کسانی بوده‌اند که به علی (ع) حسادت و کینه می‌ورزیدند و چرا چنین می‌کردند"، جای درنگ و اندیشه دارد. او می‌افزاید: از پیامبر (ص) روایت شده است: بهشت بر کسانی که به اهل بیت من ستم کنند و عترت من را آزار دهند، حرام شده است و هر که به یکی از فرزندان عبدالمطلب احسانی کند و کسی به او پاداش ندهد، من فردا وقتی که روز قیامت مرا ملاقات می‌کند، به او پاداش می‌دهم» (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۲۰)

وی سپس معنای مودت را با ذکر این روایت نبوی تکمیل می‌نماید: «هر کس با دوستی آل محمد (ص) بمیرد، شهید از دنیا رفته است. آگاه باشید هر که با دوستی آل محمد از دنیا برود، بخشیده شده، از دنیا خواهد رفت. آگاه باشید، هر که با دوستی آل محمد از دنیا برود، توبه کننده از دنیا رفته است... و هر کس با دشمنی آل محمد (ص) از دنیا برود، در روز

قیامت در حالتی خواهد آمد که میان دو دیده‌اش نوشته شده است: "نا امید و محروم از رحمت خدا". آگاه باشید، هر کس با دشمنی آل محمد(ص) بمیرد، کافر از دنیا رفته است و بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۲۱)

۱۷.۱۷.۲ آیه ۲۹ فتح

۱۷- «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ...» (فتح، ۲۹)

حسکانی از ابن عباس آمده است: گروهی از پیامبر(ص) پرسیدند: این آیه در شأن چه کسی نازل شد؟ ایشان فرمود: روز قیامت، پرچمی از نور سفید فراهم آورده می‌شود و منادی صدا می‌زند: سید مؤمنان برخیزد. در این حال علی(ع) بر می‌خیزد و آن پرچم به او داده می‌شود و در پشت او همه مهاجران پیشگام و انصار قرار می‌گیرند. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۵۲ و ۲۵۳). فیض کاشانی هم همین روایت را به نقل از امالی شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۷۸) آورده است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۴۶)

اما زمخشری ذیل این آیه چنین روایتی را نیاورده است (نک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۴۷)

۱۸.۱۸.۲ آیه ۱۲ مجادله

۱۸- «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَطْهَرٌ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مجادله، ۱۲)

حسکانی آورده است که همگان از نجوا با پیامبر نهی شدند، مگر آن که صدقه دهد. آنگاه جز علی بن ابی طالب(ع) که دیناری را صدقه می‌داد، با آن حضرت نجوا نداشت. (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۱۱)

در نقل دیگری از علی(ع) آورده است که فرمود: در قرآن آیه‌ای است که فقط من به آن عمل کردم و نه از قبل و نه بعد از من، کسی به آن عمل نکرد و آن همین آیه نجوی است.

(همان، ج ۲، ص ۳۱۲) وی ۲۰ روایت را با اسناد مختلف نقل می‌کند. (همو، ج ۲، صص ۳۱۱-۳۲۹). فیض کاشانی نیز چهار روایت را با همین مضامین نقل کرده است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۴۹)

زمخشری نیز همین دو روایت را نقل کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۹۳ و ۴۹۴) و به نقل از ابن عمر افزوده است که گفت: علی سه چیز دارد که اگر من فقط یکی از آنها را داشتم، آن یکی نزد من دوست داشتنی تر از شتران سرخ موی بود. (همو، ج ۴، ص ۴۹۴)

۲. ۱۹. آیه ۱۲ حاقه

۱۹- «لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكَرَةً وَتَعِيَهَا أُنْزُورًا وَعِيبَةً» (حاقه، ۱۲)

حسکانی در ذیل این آیه، بیست و دو روایت را نقل می‌کند، مبنی بر این که این آیه بعد از دعای پیامبر(ص) برای علی(ع) نازل شد و سپس پیامبر به دنبال دستور خداوند نسبت به تعلیم دانش نبوی به علی(ع) همت گمارد و به تصریح روایات و اذعان علی(ع) بعد از این آموزش، ایشان (ع) هیچ حدیث و یا شنیده‌ای را از پیامبر(ص) فراموش نکرد. (نک: حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، صص ۳۶۱-۳۸۱)

بعد این آموزش پیامبر(ص) فرمود: «علی(ع)! من همانند شهرم و تو به درب آن می‌مانی». (همو، ج ۲، ص ۳۶۳) و تعبیر در خور توجه دیگر در این روایات، جمله «بر عهده خداست که تو دریایی و بفهمی» (همان). فیض کاشانی نیز به نقل چهار روایت با همین مضامین پرداخته است. (نک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۱۸). زمخشری هم در تفسیر این آیه، همین مضامین را می‌آورد. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۰۰)

۲. ۲۰. آیات ۵-۲۲ انسان

۲۰- «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا*... إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيَكُمْ مَشْكُورًا» (انسان، ۵-۲۲)

حاکم حسکانی روایات متعددی را آورده است؛ مبنی بر این که پیامبر(ص) به تنهایی و در برخی نقل‌ها با گروهی از اصحاب از جمله عمر و ابوبکر (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۰۳) به دیدار حسنین(ع) رفت و چون آن‌ها را بیمار دید، به علی(ع) فرمود: در راه خدا برای فرزندان نذری بکن، امیدوارم که خداوند شفایشان بدهد و به دنبال این علی(ع) و فاطمه(س) و فضه روزه نذر کردند. (همان، ج ۲، ص ۳۹۴ و ۳۹۵) زمخشری نیز همین مضمون را نقل می‌کند و می‌گوید: پیامبر آنها را در حالی که همانند جوجه‌ای می‌لرزیدند دید. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۷۰) وی سپس داستان را ادامه می‌دهد تا آنجا که مسکین و یتیم و اسیر می‌آیند و سپس می‌افزاید که دو نفر اول درب را زدند و گفتند: «السلام علیکم اهل بیت محمد(ص) و سومی بعد نواختن درب گفت: «السلام علیکم اهل بیت النبوة» (حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۳۹۶-۳۹۵). زمخشری هم به آن تصریح کرده است (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۷۰). چنین تعبیری حکایت دارد، «اهل بیت محمد(ص)» در میان مردمان آن عصر معروف بودند. فیض کاشانی نیز همین داستان را نه با این تفصیلات در ضمن چند گزارش آورده است. (نک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۲۶۰)

۲.۲۱. آیات ۲۰-۳۰ مطفقین

۲۱- «إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ * وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَرُونَ»

(مطفقین- ۲۹-۳۰)

حسکانی در شش روایت متفاوت نقل می‌کند که آیه در شأن علی(ع) نازل شده است. در برخی از آنها آمده است که عده‌ای از بنی هاشم او را مسخره می‌کردند. (نک: حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص ۴۲۶) و در برخی دیگر هم به آزار و تمسخر عده‌ای از بنی امیه اشاره شده است. (همان، ص ۴۲۷) و در نقلی دیگر آمده است که علی(ع) با گروهی نزد پیامبر(ص) می‌رفت که منافقین آنها را مسخره کردند و قبل رسیدن علی(ع) به پیامبر(ص) این آیه نازل شد. (همان، ص ۴۲۸) فیض کاشانی نیز همین مضمون اخیر را به نقل از تفسیر مجمع البیان (نک: طبرسی، ۱۴۰۶، ج ۱۰، ص ۶۹۴) آورده است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵،

ص ۳۰۲). زمخشری نیز در کشف همان گزارش را در شأن نزول نقل می‌کند. (نک: زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۷۲۳ و ۷۲۴)

۳. نتیجه گیری

زمخشری در تفسیرش توجه ویژه‌ای به مباحث نقلی به ویژه اسباب نزول‌ها نشان نداده و علیرغم این که تفسیر وی، تفسیر عقلانی تحلیلی است، به تحلیل شأن نزول‌ها پرداخته است. او در نقل روایات سبب نزول علاوه بر احادیث نبوی، اقوال صحابه و تابعان را نیز گزارش کرده است. وی گاهی آیه‌ای را بر پایه سبب نزولش تفسیر نموده و زمانی هم سبب نزول را مؤید قول تفسیری خود گرفته است. او گاهی اسباب نزول را با تعابیر چون «قیل» و «زوی» تضعیف کرده و هیچ گاه سند روایت سبب نزول را یاد نکرده است.

وی در مواردی میان شأن نزول‌های ویژه اهل بیت و مصادیق دیگر تفاوتی نگذاشته؛ مع الوصف، دویست و هشتاد و سه سبب نزول را ذکر کرده و در بیش تر موارد به تفصیل پرداخته؛ اما در نقل روایات فضایل اهل بیت به اجمال برگزار کرده است. وی همان تعداد از اسبابی را که نقل کرده، تفصیل داده؛ اما روایات فضایل اهل بیت (ع) را به اجمال آورده است؛ به علاوه آیاتی را که در فضایل اهل بیت است، مختص آنان معرفی نکرده و افراد دیگری را هم از مصادیق آنها برشمرده است. جهت آن این است که وی به عمومیت لفظ چنین آیاتی باور دارد؛ نه به خصوصیت سبب. زمخشری فضایل اهل بیت (ع) را بسیار اندک - در حد یک یا دو مورد - نقل کرده و در آنها، از ذکر پیامدها و لوازم آنها خودداری کرده است؛ از این رو، در آیه ولایت فقط رفتار علوی را ستوده و در آیه مودت تنها بر حب اهل بیت (ع) تأکید کرده و در آیات مهم تبلیغ (مائده، ۶۷) و اکمال (مائده، ۳) هرگز از حادثه غدیر خم یاد نکرده و آیه تطهیر (احزاب، ۳۳) را ناظر به زنان دانسته و در تفسیر آیه انذار (شعرا، ۲۱۴) از داستان امام علی (ع) سخن به میان نیاورده است.

اما حسکانی بر خلاف زمخشری، ۲۱۰ آیه مربوط به اهل بیت (ص) را ذکر کرده و ۱۲۰۰ روایت در فضایل اهل بیت (ع) - که عمدتاً از طریق عامه است - نقل نموده است. در تفسیر

صافی نیز روایاتی که در فضایل اهل بیت(ع) از طرق خاصه نقل شده، ذیل آیات ذکر و شرح گردیده است.

۴. منابع

۱. قرآن مجید
۲. ابن ابی الحدید، عزالدین(۱۳۷۷ش). شرح نهج البلاغه. چاپ اول، قم: بی نا.
۳. ابن ابی حاتم، عبدالشمس بن محمد(۱۴۱۹ق). تفسیرالقرآن العظیم. چاپ سوم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی(۱۴۱۱ق). الخصال. چاپ پنجم، قم: جماعة المدرسین.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی(۱۳۶۱). معانی الاخبار. تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
۶. ابن حجاج، مسلم(۱۴۱۲ق). صحیح مسلم. چاپ اول، قاهره: دارالحديث.
۷. ابن حنبل، احمد بن محمد(۱۴۱۶ق). مسند الامام احمد بن حنبل. چاپ اول، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۸. ابن سعد، محمد(۱۹۹۰م). الطبقات الکبری. چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۹. ابن صلاح(۱۹۸۴م). مقدمة علوم الحديث. تحقیق دکتر نورالدین عتر. دمشق: دارالفکر.
۱۰. ابن عطیة، عبدالحق بن غالب(۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیرالقرآن العزیز. چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر(۱۹۸۶م). البداية والنهاية. دارالفکر.
۱۲. امینی، عبدالحسین(۱۴۳۰ق). گزیده الغدیر. ترجمه و تلخیص محمد حسن شفیعی شاهرودی. قم: موسسه میراث نبوت.
۱۳. امینی، عبدالحسین(۱۴۱۶ق). الغدیر. چاپ اول، قم: مرکز الغدیر.
۱۴. بابایی، علی اکبر(۱۳۹۱ش). بررسی مکاتب و روش های تفسیری. چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۵. باقر، علیرضا(۱۳۸۸ش). زمخشری و تفسیر کشف. چاپ دوم، تهران: خانه کتاب.
۱۶. بحرانی، سیدهاشم(۱۴۲۲ق). غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام. چاپ اول، بیروت: مؤسسة التاريخ العربی.
۱۷. بخاری، محمد بن اسماعیل(۱۴۱۰ق). صحیح البخاری. چاپ دوم، قاهره: وزارت اوقاف مصر.
۱۸. ثعلبی، احمد بن محمد(۱۴۲۲ق). الکشف و البیان. چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۱۹. جلالی، سهیلا (۱۳۷۹ش). «اهل بیت در تفسیر کشاف»، مجله گنگستان قرآن، شماره ۷.
۲۰. حاکم نیشابوری (۱۴۰۶ق). المستدرک علی الصحیحین. دارالمعرفة، بیروت.
۲۱. حسکانی، عبیدالله (۱۴۱۱ق). شواهد التنزیل لقواعد التفصیل. قم: مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة.
۲۲. حسن بیگی، علی (۱۳۹۵ش). «شیوه‌های همانندسازی در حدیث و رهیافتی بر تشخیص آن»، فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۴.
۲۳. حسینی، م (۱۳۷۴ش). «بررسی آیات اسباب نزول»، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۱.
۲۴. ذهبی، شمس‌الدین (۱۳۷۴ش). تذکرة الحفاظ. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۵. ذهبی، محمد حسین (بی تا). التفسیر و المفسرون. چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۶. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷ش). منطق تفسیر قرآن ۲. چاپ سوم، قم: جامعه المصطفی العالمیة.
۲۷. زمخشری، جارالله محمود (۱۴۰۷ق). الکشاف عن غوامض التأویل و عیون الاقاول فی وجوه التأویل. چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العربی.
۲۸. سلطان الواعظین (۱۴۱۹ق). لیالی پیشاور. چاپ دهم، بیروت: موسسة البلاغ.
۲۹. سمرقندی، نصرین محمد (۱۴۱۶ق). بحر العلوم. چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
۳۰. سیوطی، جلال‌الدین (۱۹۹۳م). تدریب الراوی. تصحیح دکتر احمد عمر هاشم. بیروت: دارالکتب العربی.
۳۱. سیوطی، جلال‌الدین (۱۹۸۳م). الدالمنتور فی التفسیر بالمأثور. بیروت: دارالفکر.
۳۲. شوشتری، قاضی نورالله (۱۰۱۹م). احقاق الحق. هند: بی تا.
۳۳. صاوی جوینی، مصطفی (بی تا). منهج الزمخشری فی تفسیر القرآن و بیان اعجازه. چاپ دوم، قاهره: دارالمعارف.
۳۴. صدر، سید حسن (بی تا). تأسیس الشیعة لعلوم الاسلامیة. تهران: منشورات اعلمی.
۳۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ش). المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم، بیروت: موسسة الاعلمی للمطبوعات.
۳۶. طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۰۶ق). مجمع البیان. تحقیق محلاتی و طباطبایی. بیروت: دارالمعرفة.
۳۷. طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۱۲ق). جوامع الجامع. تصحیح ابوالقاسم گرجی. چاپ اول، قم: حوزه علمیه قم.
۳۸. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق). جامع البیان. چاپ اول، بیروت: دارالمعرفة.
۳۹. طبری، محمد بن جریر (۱۹۷۶م). تاریخ الطبری. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. چاپ دوم، بیروت: دارالتراث.
۴۰. طوسی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). الامالی. چاپ اول، قم: دارالثقافة.
۴۱. طهرانی، الشیخ آقا بزرگ (۱۴۰۳ق). الذریعة الی تصانیف الشیعة. چاپ سوم، بی جا: دارالاضواء.
۴۲. عامری، هادی (۱۳۸۶ش). مهدی آل محمد در کتب اهل سنت. چاپ اول، قم: پیام حجت.

۴۳. عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۴۳۰ق). الصحيح من سيرة الامام علي (ع)، قم: ولاء المنتظر.
۴۴. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. چاپ دوم، تهران: مکتبه الصدر.
۴۵. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی. تصحیح السید طیب الموسوی، قم: بی نا.
۴۶. مراغی، احمد مصطفی (۱۴۱۶ق). تفسیر المراغی. چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
۴۷. معارف، مجید (۱۳۸۳ش). جوامع حدیثی اهل سنت. چاپ اول، تهران: سمت.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ش). آیات ولایت در قرآن. چاپ سوم، قم: نسل جوان.
۴۹. واحدی، علی بن احمد (۱۴۱۱ق). اسباب النزول القرآن. چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۵۰. واقدی، محمد بن عمر (۱۹۸۹م). المغازی. تحقیق مارسون جونس. چاپ سوم، بی جا: موسسة الاعلمی.